

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران، منتشر شد



پس از گذشت سه سال نخستین شماره "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران منتشر شد. "نامه مردم" که در پی توقیف خودسرانه و غیرقانونی مقامات جمهوری اسلامی، از انتشار باز مانده بود، اینک "دوره هشتم انتشار خود را در شرایطی آغاز می کند که آزادی بیان و قلم، اجتماعات و احزاب، سندیکاها و اتحادیه های صنفی و غیره لگد مال شده، زندان و شکنجه و اعدام و قتل میهن دوستان و مدافعان توده های محروم، که طی سالیان دراز ستمناهی بار سنگین مبارزه علیه استبداد و ارتجاع و امپریالیسم را بدوش می کشیدند به سطح سیاست مستمر دولتی ارتقاء یافته است."

انتشار مجدد با سابقه ترین نشریه زحمتکشان در تاریخ ایران برای همه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی شادی بخش است. ما انتشار آنرا به همه توده های ما، به همه فدائیان، به همه کارگران و زحمتکشان ایران و همه کسانی که قلبشان برای انقلاب و مردم می تپد شاد باش می گوئیم.

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۱۸ خرداد ۱۳۶۳ برابر ۸ ژوئن ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۰

"امسال را به سال اعتراض وسیع توده های علیه جنگ تبدیل کنیم"

دو سال از آزادی خرمشهر و بیرون راندن متجاوزین عراقی از خاک میهنمان گذشت. دو سال پیش، هنگامی که به همت پرسنل میهن پرست نیروهای مسلح و مردم حماسه آزادسازی "خونین شهر" رقم خورد، ایران را سراسر هلهله و شادی فراگرفت. مردم در فتح خرمشهر طلیعه صلح و زندگی توأم با آسایش را می دیدند و به همین جهت، در خیابانها، در خانه ها، در رهکوی و برزن به شادمانی و پایکوبی پرداختند. مردم از فرزندان دلیر خود که دشمن را به آن سوی مرز راندند، قدردانی کردند. رزمندگان فدایی و توده ای در بیکار میهنی برای دفع تاجران نقش مهمی داشتند. سرهنگ شهید بیژن کبیری، که رژیم جمہست سوری اسلامی او را در دمشقانه به جوخه اعدام سپرد، از سوی مردم "قاتل خرمشهر" لقب گرفت.

جنگ به تحریک آمریکا و بدست رژیم صدام به کشور رمانت میل شد. مردم مادر مرحله نخست جنگ، برای دفع تجاوز و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور جنگیدند. دفاع آنها در برابر متجاوزین کاملاً عادلانه بود. دفاع از میهن و نبرد برای بیرون راندن متجاوزان مناطق اشغالی، با دفاع از اقلاب و منافع زحمتکشان پیوند خورده بود. وظیفه ملی و انقلابی ایجاب می کرد که تمام نیروهای مترقی و انقلابی در نبرد علیه بقیه در صفحه ۲

گسترش جنگ ویرانگر ایران و عراق و افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه

همزمان با تشدید جنگ خانمانسوز ایران و عراق بحران در خلیج فارس، با حمله به نفتکش ها و سایر کشتی ها، بالا گرفته است. عربستان سعودی اعلام نمود که دو هواپیمای نظامی "ناشناس" را که قصد حمله به یک نفتکش متعلق به این کشور را داشتند، در قلمرو هوایی خود سرنگون کرده است.

حبرگزاریهما گزارش دادند که یک نفتکش ترکیه در نزدیکی جزیره خارک بمباران شده و سه ملوان آن کشته شده اند.

امپریالیسم آمریکا با بهره گیری از تشنجات موجود در خلیج فارس، گام به گام حضور نظامی بقیه در صفحه ۴

با ارباب و موعظه دهقان محروم و بی زمین در روستا باقی نمی ماند

جمع آوری دست فروشها و بساط های حاشیه خیابانها، جلوگیری از ساختن خانه های مسکونی بدون مجوز، عدم صدور دفترچه بسیج اقتصادی و دیگر شیوه هایی که مسئولین و ارگانها، برای مقابله با مهاجرت روستائیان، به کار گرفته اند، هیچند ام تاکنون تأخیری برجای نگذاشته و رگه گشای این معضل حکومت، نبودند.

مسئله مهاجرت از روستا به شهر، برای رژیم بدل به یک مشکل بزرگ اجتماعی شده است. بقیه در صفحه ۹

کودکان ایرانی، گلپایی که نشکفته پُر مرده میشوند

روز اول ژوئن (۱۱ خرداد) روزی است که به ابتکار "فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان" و "اتحادیه جوانان دمکرات" ، روز جهانی کودک اعلام شده است. این روز، روز جشن بین المللی کودکان جهان و روز وحدت در مبارزه بخاطر ایجاد شرایط بهتر برای آنان؛ زندگی فاخر از دلهره جنگ و عاری از کابوس وحشتناک فقر، گرسنگی، جهل و بی فرهنگی است.

روز کودک در کشورهای سوسیالیستی، جشن کودکانی است که "همه چیز به آنان تعلق دارد". جشن گلپایی رنگارنگیست که گرمی آفتاب صلح، آزادی و عدالت، آنها را شاداب و شکوفان کرده است. این روز در کشورهای سرمایه داری و تحت سلطه، روز مبارزه برای کسب حقوق کودکان و حمایت از آن غنچه هایی است که نشکفته پُر مرده می شوند.

بقیه در صفحه ۳

"هفته حجاب" نمودی دیگر از: تلاش حکومت برای محصور کردن زنان در گور اندیشه های عقب مانده

در صفحه ۶

معدنچیان انگلستان در مصاف با سیاست های ضد کارگری دولت تاجر

در صفحه ۵

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

امسال رابه سال اعتراض وسيع توده‌ای عليه جنگ تبدیل کنیم

بقیه از صفحه اول

متجاوزین شرکت کنند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) باتوجه به این امر از آغاز جنگ فعالانه برای درهم شکستن تجاوز جبهه‌ها را تقویت کرد و از همه نیروهای مردمی خواست برای درهم شکستن تجاوز امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام متدشوند. اعصاب هواداران سازمان باتعام توان خود به آزادسازی مناطق اشغالیه، یاری رسانده و چندصد تن از آنان در این جنگ به شهادت رسیدند.

جانبازی و فداکاری مردم میهن ما: متجاوز را وادار کرد که به درون مرزهای خود عقب نشینی کند. دفع تجاوز نیروهای صدام، پیروزی بزرگی برای مردم ما بود. در نتیجه این پیروزی و مشخصا پس از فتح خرمشهر شرایط مساعدی برای خاتمه بخشیدن به جنگ و استقرار صلح عادلانه بوجود آمد، ولی رهبران جمهوری اسلامی، ظاهرا به منظور سنگینی رژیم صدام و تشکیل جمهوری اسلامی در عراق، جنگ را ادامه دادند. تداوم جنگ دقیقا همان سیاستی بود که امپریالیسم آمریکا تعقیب می کرد. سازمان ما و حزب توده ایران به موقع هشدار دادند که ادامه جنگ و گسیل نیرو به خاک عراق، توطئه ایست که از جانب آمریکا برای فرسودن انقلاب تدارک دیده شده است. ولی رهبران رژیم به هشدار نیروهای انقلابی و بنه تلاشهای سازمانهای بین المللی و کشورهای مترقی، جهت استقرار صلح و پایان بخشیدن به جنگ، پاسخ منفی دادند و همچنان بر ادامه جنگ پای فشردهند.

جنگ فرسایشی که بدون براتریسم تاکنیک امپریالیسم برای نابودی انقلاب و دستاوردهای آن بکار گرفته شده است، تاثیرات فوق العاده مخرب خود را ببار آورد. رهبران جمهوری اسلامی با طرح شعار "جنگ عدالت" اصلی است " از انجام اصلاحات بنیادین و اجرای اصول مترقی قانون اساسی سرساز زدند. مخالفین پیروفت و تعمیق انقلاب از جنگ بمثابه اهرم قدرتمندی برای جلو گیری از هرگونه اقدام اساسی بسو مردم، بهره گرفتند. در سایه تداوم جنگ گرایش راست و ارتجاعی در حکومت تقویت شد و سرانجام با جبرگی راست در حاکمیت، انقلاب بهمین راه با رنگش راد ریش گرفت.

رهبران جمهوری اسلامی که در آغاز مسبب اصلی شعله و ز شدن جنگ، یعنی امیکارامورد حمله قرار می دادند و می گفتند که " جنگ ما با صدام نیست، جنگ ما با آمریکا است، در تداوم جنگ عملا شعار " صدام مساله اصلی است " را جایگزین شعار " آمریکا دشمن اصلی است " کردند و اکنون آشکارا به امپریالیسم

خونخوار امپریالیسم نهاد می کنند که در این جنگ، تنها ازانان حمایت کند. آنان تا آنجایی پیش رفته اند که خود را کنار غرب قرار داده و با اظهار نگرانی نسبت به خطر صدام برای منطقه، از غرب برای دفع این " خطر "، استعداد می طلبند. جریان راست حاکم برای اینکه در مسیر تداوم جنگ، نزدیکی با غرب و آمریکا را نیز تامین کند، با وضوح تمام، کلید " پیروزی در جنگ " را نزد " شیطان بزرگ " نشان می دهد و آمریکا هم که از ادامه جنگ بیشترین سود را می برد، همه امکانات را برای تداوم آن بکار می گیرد. ادامه جنگ فرسایشی به شدید حضور نظامی امپریالیسم جهانخوار آمریکا در منطقه خلیج فارس و به بحران خلیج فارس و " تنگ هرمز " منجر شده است. هم اکنون تعداد زیادی رزمنه آمریکا به بهانه حفظ امنیت خلیج فارس در این منطقه مستقر شده اند و آمریکا منطقه وسیعی از آبها و آسمان خلیج فارس را تحت کنترل نظامی خود در آورده است.

آمریکا و اسرائیل از این جنگ و برانگیز، برای یورش به لبنان و سازمان آزادی بخش فلسطین و تهدید دولت سوریه سود جستند. کشورهای ارتجاعی منطقه جنگ را دستاویزی برای عقد قراردادهای اسارتبار نظامی. پس از هرچه سازشکارانه تر در قبال صهیونیسم قرار داده اند.

جنگ خانمانسوز تاکنون صدها هزار نفر را از آغوش خانواده هارووده و آناهاراد افقدار کرده است. بر اثر جنگ حدود دو میلیون نفر آواره و دهها هزار نفر معلول و مقوقد الاثر شده اند. روزانه قریب ۳۲۰ میلیون تومان صرف جنگ می شود، یک سوم بودجه کشور به جنگ اختصاص یافته است. دولت برای تامین بودجه جنگ و تحصیل ارز جهت خرید اسلحه از کشورهای امپریالیستی، نفت کشور را به کارشکنی در مقررات اوپک، به قیمت ارزان در بازارهای جهانی بفروش می رساند.

بر اثر جنگ، تعداد زیادی از شهرها، روستاها و بنا در کشور ویران شده و یا بشدت خسارت دیده اند. جبهه های پز شک، متخصصان امور مختلف، وسایل حمل و نقل، وساییل مکانیزه، جاده های ارتباطی و تدارکاتسی و مواد غذایی احتیاج دارند. حکومت برای ادامه جنگ نیازمند تدارک وسیع در شست جبهه هاست. و اددهای تولیدی، وزارتخانه ها، جهاد سازندگی، راه آهن، بنادرو دیگر امکانات کشور بخدمت جنگ گرفته شده و مرتباً سازمانهای جدیدی با مخارج سنگین بوجود می آورند. صدها هزار تن از نیروهای فعال جابه که می توانستند در تولید و سازندگی

کشور نقش شایسته ای ایفا کنند، در جبهه ها درگیر جنگ بی سرانجام شده اند. جنگ و ویرانگر، سیره جان زحمتکشسان را منقیده است. رژیم با حیل های گوناگون زحمتکشسان رابه جبهه های جنگ می کشاند. برای تامین مخارج جنگ به مزد ناچیز کارگران که در عرض چند سال با وجود تورم افسارگسیخته همچنان ثابت ماند، چشم دوخته است و ازانان به اشکال مختلف اخاذی می کند.

رهبران رژیم، جنگ را بر پایه خون نوجوانان و جوانان بنا نهاده اند. آنان از گللهای نارس میهن، برای خشتی کردن میهن و بغض و کینه دم توپ استفاده می کنند. با هر حمله هزاران جوان در کوره جنگ می سوزند. رژیم در تداوم جنایات خود نسبت به جوانان طول خدمت نظام و وظیفه رابه دو سال و نسیسم افزایش داده است و در فکر آنست که بطور وسیع جوانان را از سنین ۱۵ سال به بالا به جبهه های جنگ روانه کند.

کارنامه جنگ فرسایشی، آشکارا نشان می دهد که تداوم این جنگ بشدت مغایر با منافع مردم و مصالح میهن ماست و تنها سود خد مت منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، ارتجاع منطقه، سوداگران اسلحه و تجار چپا و لگر داخلی قرار دارد.

برای پایان دادن به چنین فاجعه ایست که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) مبارزه در راه صلح راد رراس و وظایف میهن پرستان می داند و مردم رابه قطع کامل کمک به جبهه ها دعوت می کند. مردم ما امروز در مقابل سیاستهای جنگ طلبانه حکومت به اشکال گوناگون ایستادگی می کنند، تظاهرات مردم مناطق بیماران شده بر علیه جنگ، گسترش ناراضی در بین نظامیان و بسیجی ها، اعتراض آشکار مردم در جماع مختلف، کاهش شدید کمک بنه جبهه ها و گسترش جریان ترک جبهه و امتناع از رفتن به جنگ نمودار این امر است.

کمیته مرکزی سازمان ما با تاکید بر ضرورت و فوریت برقراری صلح، دعوت کرده است که " امسال رابه سال اعتراض توده ای علیه ادامه جنگ تبدیل کنیم ". برای رسیدن به این هدف باید ماهیت ارتجاعی جنگ و سیاست جنگ طلبانه رهبران جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر برای مردم افشا ساخت و آنها را دعوت کرد، برای

پایان دادن به کشتار هزاران جوان و ویرانی کشور، برای مبارزه علیه توطئه های حاکم مترجم جهت اتحاد با امپریالیسم و نابود کردن تمام دستاوردهای انقلاب و برای پیکار موثرتر در راه نجات دستاوردهای انقلاب و تامین منافع زحمتکشسان با همه قوا، در جهت برقراری صلح بکوشند.

کمیته مرکزی سازمان ما از همه مردم کشور دعوت کرده است: " به جبهه ها کمک نکنید! از رفتن به جبهه ها خودداری کنید و از هر مکانی برای تبلیغ علیه ادامه جنگ استفاده کنید! "

روز جهانی کودک روز بیکار در راه کسب حقوق کودکان

کودکان ایرانی، گل‌هایی که نشکفته پزمرده میشوند

بقیه از صفحه اول
در شرایطی که بنا بر گزارش سالانه سازمان غذایی جهان " هرروزه در حدود ۴۰ هزار کودک بر اثر بیماری و گرسنگی جان خود را از دست می‌دهند ، ۲۰۰ میلیون کودک از امکان تحصیل محرومند و ۱۵۰ میلیون تن از آنان مجبورند کار کنند ، بزرگداشت روز جهانی کودک بیش از پیش با مبارزه در راه صلح و استقلال و مبارزه علیه فقر و استثمار و جنگ در جوامع سرمایه‌داری گره می‌خورد .

کودکان در میهن ما

در میهن ما نیز کودکان در شرایط اسفباری بسر می‌برند ، شرایطی که جد از وضعیت تلخ و فاجعه باری که مردم ما در آن قرار دارند نیست . سرنوشت حال و آینده میلیون‌ها کودک و نوجوان ایرانی را خطر یاس و تباهی و اندوه و بینوایی تهدید میکند . ثمره سالیان دراز سلطه امپریالیسم و تکیه‌گاههای داخلی آن ، فتودلها و سرمایه‌داران بزرگ وابسته ، کسه ثروت‌های این ملت را به یغما برده‌اند ، گروه عظیمی از کودکان است که از سوء تغذیه و عدم بهداشت و از فقر و بیسوادی رنج می‌برند .

کودک ایرانی از حداقل امکانات لازم ، برای رشد و پرورش یافتن محروم است . او تا زمانی که کودک است همواره با خطر مرگ و نیستی روبرو است و هنگامی که پا به میدان زندگی می‌نهد خود را با ستم طبقاتی ، ملی و ... رودر رومی بیند . آن انگشتان کوچکی که دیوارهای شهر و تخته سیاه کلاس را باشعارهای انقلاب پر کردند ، آن اندامهای کوچکی که به همراه سیل خروشان مردم مرگ رژیم شاه و مرگ امپریالیسم را فریاد می‌زدند ، حال بعد از گذشت ۶ سال نه تنها از صائب و استثمار وحشیانه گذشته‌رهایی نیافته‌اند ، بلکه فریاد آزادی و صلح را در سینه حبس کرده و با چشمانی بی‌مناک به عفریت شوم جنگ و فقر و استثمار که در چنگال خود زندگی آنان و خانواده‌هایشان را می‌فشارد می‌نگرند .

حقوق کودکان در قوانین جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی می‌گوید بینش عقب مانده و قرون وسطایی خود را به تمام عرصه‌های حیات جامعه ، تحمیل نماید . لذا هرگاه لازم باشد ، یوغ قوانین خود را بر گردن کودکان نیز می‌افکند .

این رژیم در قوانین ارتجاعی خود ، کودکان را حتی در شمار انسان به حساب نمی‌آورد . به عنوان نمونه ، در یک قسمت از " قانون قصاص " می‌خوانیم :

" هرگاه پدر یا چند پدری ، فرزند خود را بکشد ، قصاص نمی‌شود " ، و یا " هرگاه بالغی ،

نابالغی را بکشد ، قصاص می‌شود ، لیکن بهتر است اولیاء دم ، برای احتیاط شرعی ، از قصاص صرف نظر کنند و به دیه راضی شوند . " بنابراین ، از این پس باید اجراء آمدن کامل لایحه قصاص ، باید شاهد آن باشیم که هر روز شماري از کودکان میهن ما ، قربانی قساوت و جنایت‌ست شوند ، واحدی نتواند به مرتکبین این اعمال ، خرده بگیرد .

در قوانین دیگر رژیم نیز ، حقوق کودکان نادیده گرفته شده و زیر پا گذاشته می‌شود ، حقوق کودکان در جامعه ، بی‌بند مستقیمی با حقوق خانواده و در درجه اول حقوق مادران دارد . جمهوری اسلامی ایجاب شدیدی در حق زنان و مادران می‌کند و از این طریق هم ظرفیت اقتصادی خانواده را پایین می‌آورد و هم آنها را نادیده گرفتن مطلق حقوق اجتماعی زن ، براهتی در استان تلاشی قرار می‌دهد . همه اینها بر روی سرنوشت کودکان ، تاثیر بسیار سویی می‌گذارند .

بهداشت کودکان

کودکان طبقات و اقشار زحمتکش میهن ما ، خیل عظیم پاره‌نگانی هستند که در شهر و روستا ، در کنار تلهای خاکی و حاکیرویه و در محیط‌های کثیف و آلوده سرگردانند . زمین بازی و وسایل تفریح آنان چیزی نیست جز زمینهای متروک ، گندآبها ، سگهای ولگرد .



وضع بهداشت در جامعه بقدری اسفناک است که کودکان بسیاری در اثر بیماریهای ساده عفونی مانند آئزین و اسهال تلف میشوند . اغلب این امراض با یک واکسیناسیون ساده قابل پیشگیری هستند .

بر طبق آمار سازمان برنامه ، میزان مرگ

و میر کودکان زیر یکسال در ایران ۱۰/۴ درصد است . این رقم در روستا به ۱۳ درصد میرسد . ابعاد این فاجعه زمانی معلوم میشود که به اعتراف دکتر منافی وزیر بهداشت : " ۲۰۰ سالانه ۵۶۰ هزار مرگ و میر داریم که از این تعداد ۲۸۰ هزار نفر کودک معصوم و بیگناه هستند . جمعیتی بالغ بر ۸۰ هزار نفر از آنان و ۱۵۰ هزار نفر دیگر به علت بیماریهای شایع قابل پیشگیری مثل سرخک ، سیاه سرفه و ... از بین میروند . " (اطلاعات ۱۵ اردیبهشت)

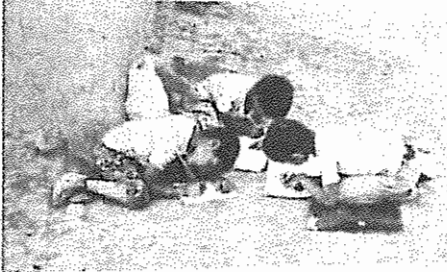
سوء تغذیه ناشی از فقر خانواده ها و کاهش وحشتناک سطح زندگی مردم زحمتکش ، خانه‌های غیر بهداشتی ، محیط آلوده ، عدم مراقبتهای بهداشتی ، کمبود دارو و عدم مبارزه با بیماریها ، کودکان از طرف ارگانهای زیرسط دولتی باعث شده اند که ایران اکنون بعد از گذشت ۶ سال از انقلاب بهمن بزرگترین ارقام مرگ و میر کودکان را داشته باشد . این خود ، یکی دیگر از نتایج سیاستهای خانمان برانداز رژیم جمهوری اسلامی است .

کار کودکان

فقر و بینوایی از عوامل مهمی است که کودکان را از تحصیل باز داشته و آنها را روانه بازار کار میسازد . علیرغم اینکه در ظاهر کار کودکان کمتر از ۱۵ سال ممنوع اعلام شده اما در سراسر کشور کودکان شاغلی هستند که سن آنها حتی از ده سال هم کمتر است . هزاران هزار کودک در سراسر روستاهای ایران به کارهای چوپانی ، علف چینی ، جمع‌آوری هیزم ، مراقبت از دام و طیور ، آبیاری و غیره اشتغال دارند . اغلب اینان کمتر از ۱۵ سال سن دارند .

آموزش کودکان

نظام آموزشی قرون وسطایی در جمهوری اسلامی ایران در تمام سطوح باعث محرومیت بیشتر از پیش کودکان از تحصیل ، و تباهی ستم‌آهنده آنها شده است .



از هر ۱۰۰ کودک ایرانی ، ۲۰ نفرشان نمیتوانند حتی خواندن و نوشتن یاد بگیرند . از هر ۱۰۰ نفر که به دبستان راه پیدا میکنند فقط ۵۰ نفر میتوانند به دوره راهنمایی برسند . البته این ارقام در روستاها و استانهای محروم از این هم دردناکتر است . بقیه در صفحه ۱۰

گسترش جنگ ویرانگر ایران و عراق و افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه

بقیه از صفحه اول

خود را تقویت کرده و به مداخله آشکار در خلیج فارس مبادرت نموده است. ناو هواپیما بسر " آمریکا " متعلق به ایالات متحده از کانال سوئز گذشته و راهی خلیج فارس شده است. آمریکا که تا چند روز قبل مدعی بود، منتظر دعوت رسمی کشورهای منطقه برای مداخله در خلیج فارس به بهانه " حفظ کشتیرانی آزاد در منطقه " می باشد، هم اکنون ناوهای جنگی خود در راه منطقه گسیل داشته و هواپیماهای نظامی و تجسیسی خود در برابر فرار خلیج فارس به پرواز درآورد است. ملوانان نفتکش هایه خبرگزار به گفته اند که بارها هواپیماهای نظامی آمریکا را بر فراز کشتی های خود مشاهده کرده اند. آمریکا رسماً اسکورت چند نفتکش را که پس از بارگیری در بندر شیخ نشینها راهی دریای عمان و فیلیپین بوده اند، پذیرفته است.

بر اساس اخبار مطبوعات خارجی و خبرگزاریها، سیل اسلحه، مهمات و تجهیزات جنگی به منطقه روان است. آمریکا طی هفته جاری ۴۰۰ موشک زمین به هوا، از نوع " استینگر " به عربستان سعودی تحویل داده و کویت نیز با خرید ۱۰۰ موشک از همین نوع، موافقت کرده است. جمهوری اسلامی که با ادامه جنگ خانمان سوز فعلی راه ورود ناوگانهای آمریکایی را در خلیج فارس، هموار کرده است چنین تبلیغ می کند که گویا تاکنون هیچ اتفاقی در خلیج فارس نیافتاده است و با اینکه چندین ناو جنگی آمریکا و انگلیس، در خلیج فارس رفت و آمد می کند، روزنامه حزب جاکمی نویسد: " بعید بنظر می رسد که سیاست گزاران آمریکایی مایل باشند ناوگان خود را بر ابر حتمی پسوی (!!) تله ای که در خلیج فارس در انتظار آنهاست به حرکت درآوردند " (روزنامه جمهوری اسلامی ۹ خرداد)

سران حکومت به تمام تلاشهای صلح طلبانه کشورهای مترقی جهان پاسخ منفی داده اند. گفتگوهای عبدالحمید خدام معاون رئیس جمهور سوریه و رابح بیتات رئیس مجلس ملی الجزایر با رهبران جمهوری اسلامی که طی روزهای اخیر صورت گرفت، نتوانست در موافقت جنگ افروزانه حکومت تغییر ایجاد کند. بر اساس اخبار مطبوعات خارجی، صد ها هزار نیروی ایرانی در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز ایران و عراق تجمع کرده اند. بر طبق اخبار خبرگزار بهمان، بیشترین بخش نیروهای نظامی و تجهیزات جنگی ایران، در مناطق جنوبی و در مقابل شهر بصره متمرکز شده است. عراق روز دوشنبه ۱۴ خرداد اعلام کرده که ۱۰ قایق بزرگ ایران را،

که قصد انتقال نیروهای تازه نفس به جزایر مرجون را داشتند، بمباران کرده است.

رادپو جمهوری اسلامی روز ۱۵ خرداد خبر داد که رژیم عراق شهر رانه را بمباران کرده و ۶۰ نفر از مردم بیگانه این شهر را کشته و مجروح کرده است و سناد مشترک ارتش جمهوری اسلامی اعلام کرد:

" ارتش جمهوری اسلامی ایران شهرهای بصره، مدلی، خانقین، کرکوک، موصل، الحماره کوت، اربیل، سعیدیه و ریاطیه را مورد حمله زمینی و هوایی قرار خواهد داد " (رادپو جمهوری اسلامی ۱۵ خرداد)

بدین ترتیب حکومت می خواهد حمله گسترده ای را به خاک عراق آغاز کند. برای این حمله طی ماههای گذشته تدارک وسیعی دیده شده است. روزنامه جمهوری اسلامی در " تحلیل سیاسی " هفته گذشته خود نوشت:

" از رویدادهای دیگر هفته، می توان عزیمت هزاران نیروی رزمنده تازه نفس به جبهه های نبرد حقی علیه باطل را برشمرد که تدریجاً سیر شتابنده ای به خود می گیرد. این بدین معنی است که رزمندگان اسلام ۵۰۰۰ غافل نیستند که بایستی سرنوشت جنگ، ۵۰۰۰ در داخل مرزهای عراق یکسره شود " (ج ۱۰ ده خرداد) رهبران جمهوری اسلامی ماجراجویی نظامی جدیدی را آغاز کرده اند که مانند عملیات خیبر و الفجرها، با قوس مرگ دهها هزار تن هم میهنانمان را - که با فریب و خدعه، تهدید و ارباب به جبهه ها گسیل شده اند - خواهد نواخت.

سیاست گزاران جنگ افروز جمهوری اسلامی ادعای کنند:

" اگر جمهوری اسلامی ایران در این شرایط حملات خود را در خاک عراق آغاز کند و موفقیت های چشمگیری بدست آورد، تشبیهات موجود در خلیج فارس از اولویت های کنونی خارج شده و به درجات بعدی اهمیت تنزل خواهد یافت. بحران محدود (!!) کنونی در خلیج فارس به کانون جدید یعنی موجودیتی بنام رژیم عراق منتقل خواهد شد. " (کیهان ۲۰ اردیبهشت)

رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده آیت الله خمینی در شو رایحالی دفاع، در تبلیغ سیاست یاد شده، در نماز جمعه هفته گذشته گفت:

" مناسب ترین و ساده ترین راه حل این مساله همانطور که قبلاً گفته ایم سرنگونی رژیم صدام است. " (رادپو جمهوری اسلامی ۱۱ خرداد) جمهوری اسلامی، با تبلیغ این سیاستها

عوامل فربه می کوشد پرده ساتری بر روی این حقیقت آشکار بکشد که، گسترش تجا و ز آمریکا علیه ملل منطقه، روان شدن سیل اسلحه، مهمات، تجهیزات و ناوگانهای جنگی به منطقه، و خامت کنونی او ضاع و بحران فزاینده موجود در خلیج فارس نتیجه مستقیم ادامه جنگ - جانفانسوز ایران و عراق است.

حکومت که مسئولیت سنگین تد اوام این جنگ را بعهده دارد، دورنمای بس فلاکت بارتری را برای مردم زحمتکش ایران ترسیم کرده است. جمهوری اسلامی با شرکت در عملیات حمله به کشتی هادر خلیج فارس که تاکنون سه غرق شدن ۶۰ نفتکش و کشتی باری منجر گردیده عملاً به گسترش جنگ در منطقه خدمت کرده است.

این آتش افروز بهادر خلیج فارس، اقتصاد رژیم را در شرایط وخیمی قرار داده است. بر اساس نوشته های مطبوعات خارجی، صدور نفت ایران به یک سوم مقدار صادر شده در ماه گذشته تنزل کرده و اکثر خریداران نفت ایران، از گسیل نفتکش های خود به خلیج فارس پرهیز می کنند و با اینکه دولت ایران بهای فروش نفت را کاهش داده، و خریداران نفت می توانند حق بیمه وضع شده بوسیله شرکت های بیمه را، از بهای توافق شده قبلی کم کنند، کشورهای ژاپن، هلند، ترکیه و ۵۰۰ به نفتکش های خود دستور داده اند تا اطلاع بعدی از نزدیک شدن به جزیره خارک خودداری کنند. بر اساس نوشته مطبوعات خارجی، ایران می تواند فقط به مدت سه ماه، از منابع ارزی خود بجای فروش نفت استفاده کند. با کاهش منابع ارزی جمهوری اسلامی، سیاست عوام فریبی، تهدید، ارباب و فشار حکومت علیه مردم زحمتکش، برای تامین هزینه جنگ تشدید یافته و رژیم از توده های بیسترو تمکین به زندگی فلاکت بارتری رامی طلبد.

مردم زحمتکش میهنمان، به خوبی می دانند که در هر ماجراجویی جدید حکام جنگ طلب جمهوری اسلامی، داس مرگ آور جنگ بیکرهای برومند جوانان و جوانان بی شمار دیگری را در آورده و خانواده های رنج دیده بیشتری را، عزادار خواهد نمود و زندگی طاقت فرمتری را به آنان تحمیل خواهد کرد.

هیات حاکمه که اکنون دیوانگی و جنون جنگ طلبی آن به اوج رسیده است، با آغاز ماجراجویی جدید نظامی راه مداخله و تجا و زگر بهای عربان تر امپریالیسم علیه ملتهای منطقه راهمو ار کرده است.

مردم ایران روز بروز بیشتر رمی یا بند که جنگ ۴۴ ماهه ایران و عراق در سیر تصاعدی خود آیدستن فجاجیم تازه و حوادث مرگبار جدیدی می گردد که ابعاد آن غیر قابل پیش بینی است. آنها می خواهند در سایه صلح زندگی کنند و برای دستیابی به آن، در مقابل اقدامات جنگ افروزانه حکام جمهوری اسلامی ایستادگی می کنند. مردم صلح می خواهند. مبارزه در راه صلح، مبارزه در راه زحمتکشان و بیسترو بیسترو مردم ایران و منطقه است.

مصاحبه نشریه "اکثريت" با مسئول هماهنگی اعتصاب کارگران معادن انگلستان معدنچیان انگلستان در مصاف با سیاست‌های ضدکارگری دولت تاجر



ارنور اسٹارکیل دبیر اتحادیه ملی معدنچیان انگلیس که توسط پلیس دستگیر شده است

توسط پلیس انگلستان يك کارگر به قتل رسیده . ۵۰۰ نفر مجروح و ۲۵۰۰ تن دستگیر شده اند . هفته گذشته آرتور اسکار کیل دبیر اتحادیه ملی معدنچیان نیز بشمار دستگیر شدگان اضافه گردید .
در همین رابطه از طرف رفقای معدنچیان انگلستان مصاحبه ای با باب موریس - نماینده معدنچیان منطقه کنت و همچنین مسئول هماهنگی اعتصاب کارگران معادن ، در مورد علل وریشه های اصلی این حرکت معدنچیان و دورنمای آن صورت گرفت که به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد .

برای سوخت خانگی خود استفاده نمیکنند و در حقیقت برای سوخت خانگی از ذغال سنگ معادن دیگر استفاده میکنند . با وجود این طبق برنامه دولت این معدن قرار است بسته شود . مسلماً با این سیاست مخالفت میکنیم . ما اجازه نمیدیم که جوانانمان به صف ۴ میلیونی بیکاران این کشور بیفونند .

س: به نظر شما علت بسته شدن این معادن چیست؟

ج: این معدن بد و دلیل بسته میشوند . واضح بد اقتصادی ، در حقیقت این وضعیت بد اقتصادی نباید آنطوری که صنایع دیگر را ضربه میدهد صنعت ذغال سنگ را تحت تأثیر قرار دهد ، اما با وجود این وضع بد اقتصادی از دلایل است .

۲- دلایل سیاسی : این دولت میخورد بزرگ کشور را خصوصی که جو ضد کارگری برک به اتحادیه معدنچیان اتحادیه های کارگر داده است . برای تضعیف این اتحادیه سوخت صنایع بزرگ انرژی اتنی علی را انتخاب کرد دولت تولید است و تمرکز به معادن است .

۳- دلایل سیاسی : این دولت میخورد بزرگ کشور را خصوصی که جو ضد کارگری برک به اتحادیه معدنچیان اتحادیه های کارگر داده است . برای تضعیف این اتحادیه سوخت صنایع بزرگ انرژی اتنی علی را انتخاب کرد دولت تولید است و تمرکز به معادن است .
از معدن سوخت صنایع همواره اعتقاد است .
س: چرا دولت میخواهد کارگران معادن را از این معادن که تصمیم به بسته شدن معادن ذغال سنگ دیوانگی اقتصادی است .
ج: وقتی که معدنی خالی شود فقط يك احمق میخواهد در آن معدن که هیچگونه ذغال سنگی در آن نیست کار کند . ولی مسئله مهم اینست که در برنامه دولت بسته شدن معادن نظر میباشد که دارای مقدار زیادی ذغال سنگ است و وقتی که يك معدن بسته شود دیگر نمیتوان در آینده آنرا مجدداً مورد استفاده قرار داد و این معنی از دست دادن یکی از مهمترین ذخایر انرژی بریتانیا است . برای نمونه در منطقه کنت ذغال سنگی که از معادن این ناحیه بدست می آید خیلی مرغوب است . در حقیقت ذغال سنگ این ناحیه یکی از بهترین انواع ذغال سنگ برای سوخت خانگی است ، مرغوبیت این ذغال سنگ در حدی است که مردم این ناحیه از آن



س: در آغاز مختصری از تاریخچه اتحادیه معدنچیان ، تعداد اعضا آن و همچنین عواملی که موجب گردید تا این اتحادیه تصمیم به اعتصاب بگیرد را توضیح دهید .
ج: اتحادیه معدنچیان در بریتانیا ۱۸۰۰۰۰ عضو دارد که در حال حاضر ۸۰ درصد آنها در اعتصاب هستند . حتی در میان اقلیتی که در اعتصاب نیستند نیز تظاهرات و گراپیشات شدیدی برای پیوستن به اکثریت معدنچیان دید میشود که هر روز این تمایل شدیدتر میگردد . معدنچیان برای دفاع از شغل خود در مخالفت با بسته شدن معادن ذغال سنگ که بیکاری را بدنبال می آورد دست به اعتصاب زده اند . با نگاهی برگزیده در میابیم که سیاست دولت در قبال این مشکلات چه بوده است . در چندین سال گذشته بارها دولت از معدنچیان تقاضا کرد که تولید ذغال سنگ را افزایش دهند اما در شرایط اوضاع بد اقتصادی که بر جهان سرمایه داری حکمفرما شده و بخاطر کمبود تقاضا برای ذغال سنگ ، دولت میخواهد که مشکل را با بستن یکسری از معادن و در نتیجه اخراج تعداد زیادی معدنچی حل کند . مسلماً معدنچیان این چنین سیاستی را نخواهند پذیرفت . ذغال سنگ یکی از ارزاترین ذخایر انرژی در بریتانیا است و میتوان آنرا بعنوان منبع سوخت و انرژی برای افراد سالمند و فقیر مورد استفاده قرار داد . از طرف دیگر معدنچیان اعتقاد دارند که این يك دیوانگی اقتصادی است که نه دولت معادن را ببندد و برای سوخت صنایع از نفت و گاز استفاده کند .
باید در نظر داشت نفت و گازی که در انگلیس تولید میشود عمر کوتاهی دارد . هم چنین معدنچیان اعتقاد دارند که بسیار احمقانه خواهد بود که معادن ذغال سنگ بسته شود و برای تأمین سوخت صنایع به نفت خاورمیانه

ارنقاش سیاستهای حزب رژیم نسبت نگرش ، که ره فسیل شده و موقعیت او درجه دوم ، رابر آنها رو رئیس مجلس شو شاخه خواهر است که قوانین بخشیده برداشته و مرد را ، خانوادگی کرده است . ارت را بگو به ای تده می گذرد بخش عظیم منتقل می شود و به اختیار زنان قرار گرفتند ، این قشر از به زنان ولی مدیریت دیگر کارهای شاق مثل نیست " (اطلاعات ۱ جان کلام سیاست

هفته حجاب" نمودی دیگر از: تلاش حکومت برای محصور کردن زنان در گور اندیشه‌های عقب مانده

از سوی حکومت روی برتافته از خلق برای استتار ناتوانی‌های خود در حل "مسایل" اصلی و اساسی جامعه، علم می‌گردد. تاکنون اوج‌گرفتن سخنرانیها، موعظه‌ها، تهدیدها و ارباب‌عالیه زنان میهنمان در مورد "مساله حجاب" در حقیقت آشکار تلاش حکومت برای انحراف افکار عمومی از توجه به مسایل اصلی جامعه به ده است. این بار نیز "هفته حجاب" پس از انتخابات و بروز جلوه‌های مختلف مخالفت مردم با سیاستهای حکومت برگزار می‌شود. حکومت زمانی به زنان تبلیغ می‌کند، "مو اظب باشید روسری هایتان دو سه سانت عقب‌تر شود" و "بسه کلاه نهادهای سربو بگر برای تحمیل این "تبلیغ" به اذیت و آزار و دستگیری زنان می‌پردازد، که ناوگانهای "نامحرم" و تجاوز زکرامپریالیسم آمریکاتاق قلب خلیج فارس پیش‌رفته و هواپیماهای نظامی "بیگانه" در سرزمین هوایی آن بسسه پروازهای تجسسی مشغول است.

میایو نهان میهن ما، در زیر شدیدترین فشارها، تضییقات و اهانتها قرار دارند و حقوق آنها در تمام عرصه‌های کار و زندگی، خانواده، آزادیهای سیاسی و دموکراتیک بیش از پیش لگدکمال می‌شود، در چنین شرایطی زنان آگاه میهنمان مبارزه بی‌امان خود را علیه بی‌قانونی و بیاد گریهای ضد انسانی حکومت ادامه می‌دهند. زنان آگاه میهنمان با شرکت گسترده و شگفت برانگیز و فعالیتهای ایثارگرا خود در انقلاب و حفاظت از دستاوردهای آن، تحسین جهانیان را برانگیختند، اینک با ایستادگی و مقاومت خود در مقابل ترقندها و تهاجمات حکومت، نقش تاریخی خود را در راه کسب آزادی و برابری و تامین استقلال کشور ایفا می‌کنند.

اسلامی درباره زنان را می‌توان بطور عریان از این افاضه^۱ رفسنجانی دریافت: "ج ۱۰" به زنان می‌گوید، شاه هیچ تعهدی درباره "مسکن، لباس و مخارج" ندارد، حق شرکت در "اداره خانواده" را ندارد، از کارهای شاق معاف هستی^۲ (؟) در مقابل به "مهر" ببندیشید و ارث "که شمار روزی روز" شرو تمند تر می‌کند، در خانه بمانید و "مصرف" کنید!

جمهوری اسلامی می‌گوید، اگر "خانمها از جد و آفرینش و اقتنای طبیعت خود و جامعه پارافراتر بگذرند... نتیجه ای جز رنج، تباهی برای کل جامعه و برای خود خانمها" ندارد. (ه.م.ن.ج. تاکید از ماست)

سیاستگذاران تاریک اندیش ج ۱۰ ابتدا بین تساوی حقوق اجتماعی زنان و مردان و تقسیم طبیعی کار و ران او لیه شکل گیری تمدن بشری، علامت تساوی می‌گذارند و سپس بسا کو بیدن مهر بردگی در خانه" برد فتر زندگی زنان، حقوق اجتماعی آنها را لگد مال کرده زن میهن ما را از تمامی عرصه‌های فعالیتها و اجتماعی، کار و سازندگی می‌رانند و بیوند های آنان را با جامعه می‌گسلند. جمهوری اسلامی می‌خواهد زن در گوشه آشپزخانه و "منزل" اطراق کند و اگر گاهی پایه بیرون از خانه بگذارد در حجاب ضخیمی به سیاهی اندیشه‌های سران رژیم، محصور باشد.

"مساله حجاب" در زمانهای مختلف

حکومت، روزهای از ده تا ۱۰ خرداد را "هفته حجاب" اعلام کرد. به همین مناسبت جلسات، سخنرانی‌ها و مراسم مختلفی برگزار شد. خامنه‌ای رئیس جمهور در "هفته حجاب"، تن ندادن زنان به زورگو بیبهای حکومت در مورد نحوه انتخاب لباس را، "یک حرکت سیاسی ضد جمهوری اسلامی" خواند و گفت: "بایسد با عده ای که در زمینه بی حجابی خباثت (!!) به خرج می‌دهند، با قاطعیت برخورد کنیم". وی ادامه داد: "در جامعه ای که بین زن و مرد حفاظی وجود داشته باشد فساد در آن جامعه قابل مقایسه با جامعه ای که در آن حجاب وجود ندارد، نیست". فساد، ریشه در ساختار اجتماعی - اقتصادی جوامع طبقاتی و از جمله جامعه سرمایه داری دارد، اما به نظر جمهوری اسلامی علت فساد، در نبودن "حفاظ" بین زن و مرد است. همه اینها در حالیست که فساد و فحشای پنهان، که بستر مساعدی نیز در قوانین مصوبه جمهوری اسلامی دارد، طی پنجسال گذشته گسترش وسیعی یافته است. حکومت به بهانه "هفته حجاب" می‌خواهد خشت‌هایی دیگر بر دیواری که با خشک مغزی‌ها و تاریک اندیشی‌های قرون وسطایی ساخته است، اضافه کند. حکومت همزمان با گسترش گشت‌های سرکوبگر سابق گشت‌های جدید دیگری از قماش "ارصاد" به وجود می‌آورد، تا این سیاستهای بغایت ارتجاعی را بر زنان تحمیل کند. حجاب جلوه ایست از نگرش عمومی سران رژیم نسبت به حقوق اجتماعی زنان. در ایسن نگرش، که ریشه در تاریک اندیشی‌ها و تفکرات فسیل شده و مهجو رقرن گذشته دارد، مقام و موقعیت اجتماعی زنان، تا سطح انسانهای درجه دوم، تنزل یافته و هرگونه اجحاف و فشاری را بر آنها روا داشته شده است. در این اواخر رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با اعضای شاخه خواران حزب جمهوری اسلامی، گفته است که قوانین حکومتی، "استقلال کامل به زن بخشیده... تعهد زن را از لحاظ مادی از زندگی برداشته و مرد را مسئول مسکن و لباس و مخارج دیگر خانواده کرده است، عقد بی مهر را باطل کرده و ارث را بگونه ای تقسیم می‌کند که هر نسل کنه می‌گذرد بخش عظیم ثروت جامعه به زن منتقل می‌شود و با توجه به اینکه مصرف در اختیار زنان قرار گرفته و مسئولیت خرج کردن ندارند، این فشار جامعه همیشه رو به شروتمند شدن (!!) می‌رود. مصرف متعلق به زنان ولی مدیریت با مرد است. از سوی دیگر کارهای شاق مثل جهاد برزن و اجسب نیست" (اطلاعات ۶ اردیبهشت)

جان کلام سیاستهای ارتجاعی جمهوری

معدنچیان انگلستان

بقیه از صفحه ۶

سیاستی برای واژگونه جلوه دادن مبارزات معدنچیان و سیاست آنها فرو گذار نکرده اند. ما انتظار داریم که این سیاست همچنان ادامه یابد و ما تمام کوشش خود را بخریب می‌دهیم تا این سیاست را با اعتصاب، گرد همائی، رفتن به میتینگهای مختلف و توضیح سیاستهای خود شکست دهیم.

ما از هر راه و روشی برای رسانیدن پیام خود به معدنچیان دیگر استفاده خواهیم کرد. خوشبختانه تا بحال توانسته ایم پیروزیهای زیادی بدست آوریم، اما مسلما شکست‌رسانهای خبری که سیاست ضد معدنچیان را تبلیغ میکنند کار مشکلی است.

س: آینده این اعتصاب را چگونه می‌بینید؟

ج: دولت امیدوار است که این اعتصاب به درازا انجامد. در حقیقت با چنین سیاستی دولت امیدوار است که معدنچیان را برانگیزد در آورد. اعتصاب طولانی بفتح معدنچیان نیست. اما باید اضافه کنم که معدنچیان تا زمانی که لازم باشد اعتصاب خود را ادامه خواهند داد. با همبستگی گسترده ای که

دریافت کرده ایم و با جلوگیری از حمل و نقل داخلی و ورود ذغال سنگ از خارج از کشور، فشار زیادی را بر دولت اعمال کرده ایم که امیدواریم هرچه زودتر با شروع مذاکرات بتوانیم اعتصاب را پایان دهیم. ما بهیچوجه در مورد اخراج بی مورد کارگران معدن و یا بسته شدن بومرد معادن مذاکره نخواهیم کرد. اما حاضریم در مورد مشکل انرژی و اینکه چگونه از ذخایر انرژی خود به بهترین وجه استفاده کنیم به مذاکره بنشینیم.

س: در پایان اگر مایلید در باره موضوعی

بیشتر توضیح دهید با کمال میل خواستار شنیدن آن هستیم؟

ج: دوست دارم از موقعیت استفاده کرده درودهای گرم خود را به مردم ایران بفرستم. ما متوجه هستیم که چه سختی‌ها و مشکلاتی در راه مبارزه برای دموکراسی در پیشیا دارید. همچنین درودهای خود را بکسانی که برای آزادی و دموکراسی صدای خود را بلند کرده اند می‌فرستیم. امیدواریم که مردم ایران به اهدافی که برایش مبارزه کردند و حکومت شاه را سرنگون ساختند هرچه زودتر دست ببندند و وضغ غیردموکراتیک اخیر را تغییر بدهند.

پاسخ مسئول شعبه کارگری سازمان به سؤالات خوانندگان "اکثريت" ۲

قسمت اول پاسخ مسئول شعبه کارگری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به سؤالات خوانندگان "اکثريت" در شماره پیشین آمد. اینک قسمت دوم و آخر توضیحات رقیق را درج می کنیم.

س ۳ - در مورد تشکلهای صنفی کارگری (شورا و سندیکا و...) سیاست سازمان چیست؟ و فعالین کارگری چگونه باید از آن دفاع کنند؟

ج: سیاست سازمان در مورد تشکلهای صنفی مستقل کارگری یعنی شورا و سندیکا کاملاً روشن است. تدقیق سیاست لبقه بازرگاری ایران در قبالت تشکلهای صنفی مستقل کارگری (شورا، سندیکا و همچنین تعاونیهای کارگری) یکی از دستاوردها و افتخارات سازمان ما و حزب توده ایران در این ۵ ساله اخیر است. ما علیرغم پیچیدگیهای جنبش سندیکایی طبقه کارگر ایران و برغم اغتشاشات حاکم بر آن (که از طرف آثار کوسندیکالیستها و حاکمیت جمهوری اسلامی دامن زده می شد) توانستیم نقش و مقام شوراها و کارگری را در چارچوب انقلاب و جنبش سندیکایی طبقه کارگر ایران، بدرستی ارزیابی کنیم و از موجودیت و استقلال آن پیگیرانه دفاع نماییم. صرف نظر از نام آن (شورا یا سندیکا) ما آنچه را که واجد سه مشخصه سندیکایی (توده ای، دمکراتیک و طبقاتی بودن تشکلهای صنفی کارگری) بود، چه در سندیکاها و چه در تعاونیهای مصرف، مسکن و اعتبار کارگری ملاک تشخیص قرار دادیم. این جوهر سیاست سندیکایی ما در قبالت تشکلهای صنفی کارگری بوده و هست. مبارزه طبقه کارگر ما در دفاع از موجودیت و استقلال شوراها و سندیکاها و تعاونیهای کارگری طی پنج ساله اخیر یکی از فصول درخشان تاریخ مبارزات کارگری ایران است. ما و همه فعالین کارگری در شرایط کنونی با درس آموزی از تجارب غنی این مبارزه قادر به پیشبرد و به ثمر رساندن آن خواهیم شد. با توجه به پراکندگی ای که گریبانگیر جنبش انقلابی میهن ما است مبارزه همه جانبه در دفاع از موجودیت و استقلال تشکلهای کارگری و تحکیم و گسترش آن حایز اهمیت اساسی و حلقه بسیار مهم در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم است. تضعیف این حلقه امتیاز نیست برای نیروهای ارتجاعی و سرکوبگر و تقویت آن حریصی است قاطع در دست نیروی انقلاب. فروهر می گفت "وزارت کار یا جای من است یا جای شوراها". دولت وقت برای از محتوی تهی کردن همین شوراها به زبان شوراها سخن می گفت و لایحه شورایی تدوین کرد. لایحه ای که در اثر اعتراضات

بود. شکل گیری این کانونهای منطقه ای از يك طرف و فراهم شدن زمینه های اولیه تشکيل کانونهای رشته ای در برخی از صنایع از طرف دیگر نشانه رشد آگاهی و بلوغ کارگران بود. اما همانطور که گفتیم ضربات وارد و برجسته کارگری و ضایعات ناشی از آن بویژه در يك ساله اخیر لطافت جدی بر تکامل این روند وارد آورد. شعار مادرمینه تشکلهای کارگری در لحظه کنونی بازسازی انقلابی و تحکیم استقلال شوراها و سندیکاها و کارگری است. در این مرحله باید تمام نیروهای انقلابی هوادار طبقه کارگر را از موجودیت و استقلال تشکلهای صنفی کارگران دفاع کنند. لازمه این دفاع مبارزه برای حفظ و تحکیم تشکلهای موجود و در آنجا که ایمن تشکلهای متلاشی و یا ضعیف شده اند، ایجاد و یا احیای آنهاست.

س ۴ - در وضعیت کنونی برای تقویت و ارتقای سطح مبارزات جاری کارگران شعارها و رهنمودهای سازمان چیست؟

ج: طبقه کارگر ما تعیین کننده ترین نیروی انقلاب و در عین حال سازمان پذیرترین نیروی مردمی جامعه ماست. نقش و وظیفه طبقه کارگر در همه عرصه ها کلیدی و اساسی است. مهمترین این وظایف عبارتند از مبارزه در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی. در عرصه جنبش سندیکایی هم وظایف طبقه کارگر ایران عبارتند از:

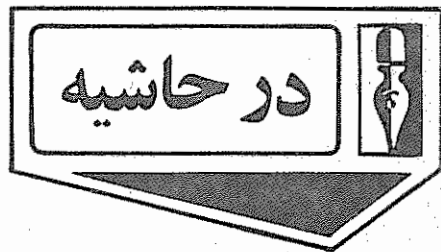
۱ - مبارزه در راه تدوین قانون کار دمکراتیک با مشارکت همه جانبه کارگران بر اساس اصول مترقی قانون اساسی.

۲ - مبارزه برای افزایش دستمزدها و دیگر مطالبات صنفی - رفاهی از قبیل مبارزه برای تدوین و اجرای يك طرح مترقی ارزشیابی و طبقه بندی مشاغل، مبارزه علیه اخراجهای خودسرانه کارگران و...

۳ - مبارزه برای بازسازی و تحکیم تشکلهای صنفی مستقل کارگری - که این مبارزه می تواند و باید به اشکال مختلف جریان یابد. این اشکال می تواند از شرکت در تشکلهای صنفی زرد گرفته تا ایجاد هسته های مخفی از کارگران پیشرو برای تدارک تشکلهای سندیکا و یا شورا و تا فعالیت از طریق تشکلهای صنفی دیگر از قبیل تعاونیهای کارگری و حتی کمیته های ورزشی، سوادآموزی و نظایر آن نمود یابد.

اکنون که جنبش اعتراضی و مطالبات صنفی کارگران میهن ما عمق گسترش می یابد و وظیفه کارگران پیشرو است که کمیته های مخفی سازماندهی این اعتراضات و مطالبات را ایجاد کنند. ایجاد کمیته های مخفی اعتصاب توسط کارگران مبارز و پیشرو یکی از اشکال مهم اجرای این وظیفه مهم و انقلابی است. تجارب انقلاب بسیار غنی طبقه کارگر ایران در ۵ ساله اخیر مهمترین پشتوانه سیاسی برای پیشروان لبقه کارگر است. این تجارب بدون تردید يك گنجینه بقیه در صفحه ۱۰

قاطعانه کارگران در پیگاه روی زمین نیامد و در هوا معلق ماند. بنی صد ربا شعار "شورایی شورا" "مادر اسلام شورا نداریم" به جنگ کارگران و انقلاب آمد. اما در این مبارزه بنی صد رفته و شوراماند. این باز بوزوازی پرچم شورا بی شورا باید ست توکلی سپید و او با شعار "ما به کارگران باج نمی دهیم" و "در اسلام نظام شورایی نداریم، نظام ولایتی داریم" به صحنه آمد. توکلی رسالت شومش را از همان زمستان ۶۰ با انحلال شوراها آغاز کرد و در نیمه اول سال ۶۱ به سراغ سندیکاها و تعاونیها و مصرف کارگری رفت و در ریابیز ۶۱ که تصوری کرد تشکلهای کارگری مستقل را قلع و قمع کرد و همواره راه تحمیل قانون کار ارتجاعی را از زمین برداشته است. پیش نویس کذایی اش را عرضه کرد. اما طبقه کارگر ایران با طومارهای کثیرالامضا (صدها هزار نفری) مصمم و هوشیار توکلی و پیش نویس متحجرش را افشار و طرد کرد. فعالیت گسترده عملی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران نقش بسیار ارزنده و مهمی در این مبارزات ایفا کردند. مبارزه پس از انتشار پیش نویس جدید قانون کار همچنان ادامه دارد. در ارزیابی این تجارب پنج ساله نباید این واقعیت تلخ را از نظر دور داشت که هر چند طبقه کارگر بسیاری از توطئه های ضد کارگری را بی اثر کرده است اما در عین حال ضایعات بزرگی را نیز متحمل شده است. در خلال این مدت بویژه طی دو ساله اخیر بسیاری از تشکلهای کارگری اعم از سندیکا و شورا منحل و یا تضعیف شده اند، بسیاری از نمایندگان کارگران اخراج و یا بازداشت شدند. حزب توده ایران و حشیا نه سرکوب و غیرقانونی اعلام گردید. سیاست سرکوب علیه سازمان ما بطور همه جانبه تداوم و گسترش یافته است. لذا در شرایط کنونی یکی از وظایف مهم ما بازسازی انقلابی و تحکیم تشکلهای صنفی کارگری است. جنبش کارگری میهن ما در ریابیز سال ۶۱ با تجارب مبارزاتی گرانقدر کارگران نقش موثر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران به رشد و گسترش قابل توجهی دست یافته بود و هر روز بیشتر کارگران به ضرورت تأسیس و حراست تشکلهای مستقل و گسترش این تشکلهای می برند. در آن مقطع جنبش فوق نادر در پیش نویس توکلی در اوج خود بود و علاوه بر آن در تهران و بسیاری از ایالات و شهرهای بزرگ صنعتی نظیر اصفهان، شیراز، قزوین، خوزستان، مشهد، کرمانشاه، تبریز و... کانونهای صنفی منطقه ای یا موجود آمده بود و یاد رخالت تشکيل



شبهات ناگزیر!

هلمز رئیس سابق "سیا":
 "تا صدام سقوط نکند، جنگ ایران و عراق متوقف نخواهد شد." (صبح آزادگان ۸ خرداد)

"مناسب ترین و ساده ترین راه حل این مسئله (توقف جنگ ایران و عراق) همانطور که قبلاً گفته ایم سرنگونی رژیم صدام است." (رفسنجانی نماز جمعه ۱۱ خرداد)

شیرینی دم و سوسرواشکم!

لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی که یکی از اجزای اصل ۴۴ قانون اساسی است پس از تخییراتی که برای چندمین بار در آن صورت گرفت بطور کامل از طرف شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی منطبق با مصالح "تجار محترم" و علیه قانون اساسی درگوش شد. این لایحه یا آخرین تخییراتی که در آن صورت گرفت آنچنان تناقضی با اسم آن پیدا کرد که مجلس برای جلوگیری از رسوایی بیشتر نام این لایحه را تخییر داد:

"لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی بنه لایحه "نحوه فعالیت در انجام بازرگانی خارجی" تخییر نام یافت." (اطلاعات اخرداد ۶۳)

این لایحه سه بار از تاریخ اردیبهشت ماه سال ۶۱ تا کنون از "دالان بهشت" شورای نگهبان بعد از قلم خوردن مواد و تبصره های متعددی که محدودیت های برای بازرگانان "تجار محترم" قائل میشد برگشت داده شده است و سرانجام مجلس اول برای حسن ختام کار خود لایحه را به شیرینی یال و دمی تبدیل کرد که اسم لایحه خصوصی تر کردن بازرگانی خارجی برای آن با سماتر است و باز هم برای تطابق بیشتر این لایحه با نظرات شورای نگهبان منافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران، مجلس اول ادما این رسالت را به مجلس دوم واگذار کرد. اجرای قانون اساسی درج ۱۰ مانند خالکوبی کردن شیر معروفا حکایت مثنوی برگزیده آن مدعی پهلوانی است:

سوی دلاکی بشد قزوینی
 که کیودم زن بکن شیرینتی
 گفت چه صورت زخم ای پهلوان؟
 گفت: برزن صورت شیر زین
 چونکه او سوزن فروریدن گرفت
 درد آن در شانه که مسکن گرفت
 پهلوان در ناله آمد کی سنی؟
 مر مرا کشتی چه صورت میزنی؟

انتخابات اخیر بوده است. علاوه بر این خان والا، سه نفر دیگر نیز خود را کاندید کرده بودند. درد و راول یکه نفره مجلس راه یافت و "انتخاب" نفر دیگری در ورم کشانده شد. از چهار نفر کاندیدای شهر قسم درد و راول، "احمد خان" کمترین رای را داشت و لذا "قانونا" حذف شده تلقی شد. ولی "قوای خفیه" به یاری وی شتافتند و هردو مشکل ایشان یعنی حذف شدن و سپس مشکل از صندوق در آوردن را برطرف ساختند.

اولین مشکل "احمد خان" را کاندیدای دیگر حزب جمهوری اسلامی و جامعه مدرسین یعنی محمد علی شرعی نفوسم مرحله اول بسا صد و اعلامیه ای که متن آن چنین است، حل کرد:

"باتوجه به اینکه در این مرحله تنهائیک نماینده از شهر خون و قیام انتخاب خواهد شد، اینجانب نیز مانند همگان بر اساس موازین اسلامی و تأکیدات مکرر امام امت خود در ملزم به انتخاب اصلی می دانم و بدین جهت حضرت آیت الله آذری قمی را ... بدو هیچ تردیدی بر خودم مقدم دانسته و انصراف خود را اعلام می دارم و طبق وظیفه شرعی انتخاب اصلاح، به ایشان رای خواهم" (اطلاعات ۲۴ اردیبهشت)

باکنار رفتن محمد علی شرعی و راه یافتن احمد خان بیگدلی آذری قمی به مرحله دوم، مشکل از صندوق در آوردن وی خیلی ساده حل شد: احمد خان با ۷۵۰۰۹ رای بعنوان وکیل قم به مجلس راه یافت و مصالح شرعی" ایجاد کرد که فردوم مرحله اول که ۱۸۷۲ رای داشت به "خدمت در دانشگاه و دولت" فرا خوانده شود.

پنجسال "کفران نعمت"!

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران در مصاحبه ای با روزنامه کیهان ضمن اعلام خبرس طرح گاز رسانی به روستاهای رومرد صد و رگاز گفت:

"قبل از انقلاب اسلامی نقش اصلی و عمده شرکت ملی گاز ایران صد و رگاز بخارج و فروش آن باقیمت بسیار ارزان (۱!) به کشور شوروی بود. این صادرات در اسفند ماه ۱۳۵۸ بطور کلی قطع گردید و در حال حاضر شرکت ملی گاز ایران تمامی سعی خود را برای استفاده هرچه بیشتر از گاز طبیعی تولیدی در داخل کشور بکار گرفته است و در نظر دارد این نعمت الهی را حتی الامکان در بخش صنایع و تجاری و خانگی در اختیار ملت قرار دهد." (کیهان ۶۳/۳/۲)

وی گفت، سران حکومت، طی پنجسال گذشته که صد و رگاز راه اتحاد شوروی قطع نموده اند، با آن چه کرده اند؟ و گفت که آنرا سو زانده و به هوافرستاده اند.

گفت آخر شیر فرمودی مرا
 گفت از چه عضو کردی ابتدا؟
 گفت از دمگاه آغازیدم
 گفت دم بگذار ای دودیده ام!
 جانب دیگر گرفت آن شخص زخم
 بی محابا بی مساواتی و رخس
 بانگ زد او کاین چه اندام است از او؟
 گفت از گوش است ای نیکخو
 گفت تا گوشش نباشد ای همام
 گوش را بگذار و کوته کن کلام
 جانب دیگر خلش آغاز کرد
 باز قزوینی فغانی ساز کرد
 کاین سیم جانب چه اندام است نیز؟
 گفت این است اشکم شیرای عزیز
 گفت کو اشکم نباشد شیر را
 خود چه اشکم باید این ادبیرا
 بر زمین زد سوزن آندم اوستاد
 گفت در عالم کسی را این فتاد؟
 شیرینی دم و سوسرواشکم که دید؟
 این چنین شیری خداهم فرید

مشکل "احمد خان"!

مطلب زبرد صفحه اول روزنامه اطلاعات
 او خرداد به چاپ رسیده است.

توضیح در مورد جدول کامل نتایج اولین مرحله انتخابات دور دوم مجلس

در جدول کلی نتایج اولین مرحله انتخابات دور دوم مجلس شورای اسلامی که در روزنامه اطلاعات از کاندیداهای دیگر مشخصات درج گردید، مناسفانه نام های سیاسی و روحانی به آقای احمد آذری قمی کاندیدای اصلی و نامهای جدا از نام حوزه انتخابیه شهرستان قم و نشان شناسنامه ای خود اشتباه درج شد که منتهی به اظهار دارند و روزنامه از ایشان و خوانندگان عزیز همه این اساسی مطلع نیستند و بدینوسیله تصحیح میشود.

ناگزیر همیشه متن اساسی و لازم به یادآوری است که آراء ارسال شده استند انتخابات متن اساسی کاندیداهای و آراء کشور بطور کلی و بدون مربوطه از طریق ستاد انتخابات هیچگونه دخل و تصرفی درج کشور در اختیار روزنامه قرار نمیشود.

برای هر خواننده کنجکاو ای این سؤال پیش می آید که چه فاجعه ای در مورد نام آقای احمد آذری قمی اتفاق افتاده و به شخص شخصیت دبیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چه تو هینی شده است؟

بانگاهی به جدول اساسی که یک روز قبل در همین روزنامه به چاپ رسیده است، کاشف بعمل می آید که نام شناسنامه ای ایشان "احمد خان بیگدلی آذری" می باشد و روزنامه یاد شده دقت لازم را برای رعایت "مصالح شرعی" ننموده و بند را ب داده است. بعید نیست برای جلوگیری کامل از اینگونه "اشتباهات"، اداره ثبت احوال و اسناد شهرستان قم نام ایشان را از "احمد خان" به "الاحقر احمد مستضعف" تخییر دهد تا هرگونه "اتهام" دفاع از جوانین و بزرگ مالکان به ایشان نجسب بنظر آید.

"احمد خان" چگونه وکیل شد

"احمد خان بیگدلی آذری قمی، دبیر جامعه مدرسین، کاندیدای این جامعه و نیز حزب جمهوری اسلامی از شهرستان قم در

با ارباب و موعظه دهقان محروم و بی زمین در روستا باقی نمیماند

در روستای می رسیم، عددی که تنها گوشه‌ای از سیاست‌های خانمان برانداز رژیم را برملا میسازد

بقیه از صفحه اول

اینک هر روز بر تعداد پساظهای دست‌فروشی گسترده بر پهنه پیاده روها و خیل بیکارهایی که در سرچهارراهها با چشمانی منتظر به اطراف خود می‌نگرند تا شاید کسی آنها را برای انجام کاری برگزیند، افزوده می‌شود و هر شب حلبی-آبادها، گسترش بیشتری می‌یابند. از سوی دیگر پیوسته از جمعیت روستاها با شتاب زیادی کاسته می‌گردد، و تولیدات کشاورزی افت بیشتری می‌کند.

رقمی که حجم مهاجرت پذیری شهر تهران را نشان می‌دهد و از زبان خود مسئولین حکومتی شنیده شده است ابعاد وحشتناک این مشکل، را بحوبی منعکس میکند. بر مبنای گفته شهردار تهران در اطلاعات ۱۷۰ اردیبهشت "تهران، بعنوان مهاجرپذیرترین شهر ایران روزانه بطور متوسط باری معادل ۱۵۰۰ نفر را بر دوش می‌کشد." روشن است که اکثریت قریب به اتفاق این مهاجرین را، روستائیان تشکیل می‌دهند. هزار و پانصد نفر در روز با در نظر گرفتن سهمی برای مهاجرت از شهرهای دیگر به مرکز، تقریباً معادل است با نیم میلیون نفر در سال. اگر این عدد در کل شهرهای ایران و نه صرفاً در تهران حساب شود، به عدد بسیار



رهبران حکومت، مسئولان کشاورزی، ائمه جمعه و همه دست‌اندرکاران، از هر تریبونی که

جمهوری اسلامی که هر بیماری اجتماعی را باروش و ویژه خود درمان می‌کند، این بار نیز قطعه‌ای بدن محکومین را - که خود قربانی فقر و محرومیت و جهلی هستند که حکومت مسئول آنست - "استقرار عدالت اجتماعی" می‌نامد و سلاخی کردن راز "چهل روز باران رحمت بهتر" می‌داند.

پیدا کنید علت ابطال را!

رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی در پاسخ یک خبرنگار ژاپنی که در مورد نقش و تاثیر حزب جمهوری اسلامی در انتخابات سؤال کرده بود، چنین گفت:

"در بعضی نقاط افراد حزبی داریم که دیگران آنها را کاندید کرده و رای آورده‌اند در حالی که حزب آنجا با او موافق نبوده، مثلاً آقای فاضل‌هرندی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی است که در اصفهان کاندید شده بود در صورتیکه حزب جم و ری اسلامی با ایشان مخالف بود ولی مخالفین حزب اصفهان ایشان را کاندید کردند و ایشان رای آورد." (کیهان ۶۳/۳/۵)

"از سوی شورای نگهبان انتخابات اصفهان و کوه‌دشت باطل شد" (جمهوری اسلامی ۱۹ اردیبهشت)

در اختیار دارند می‌کوشند با موعظه، نصیحت، وعده و وعید و نیز سرزنش و تهدید مانع از مهاجرت روستائیان به شهرها گردند. با نصیحت که مسأله مشکل ذره‌ای نیز حل نخواهد شد. بنابراین، تنها راه حلی که رژیم در برابر خود می‌بیند توسل به سرکوفت و سرکوب است. روزنامه کیهان هفتم خرداد می‌نویسد: "کشاورزانی که بخاطر

جاذبه‌های کاذب شهری (!) مهاجرت می‌کنند، همانند سربازی هستند که در زمان جنگ از جبهه فرار می‌کنند. مدتی است که به این "سربازان فراری" از "جبهه" فقر و تباهی روستاها، دفترچه بسیج اقتصادی نمی‌دهند و سریناسه فلاکت بارشان را در حاشیه شهرها بر سرشان خراب می‌کنند تا مبادا اسیر "جاذبه‌های کاذب" گردند.

روزنامه اطلاعات مورخ ۶۳/۲/۱۸ با یکی از این "سربازان فراری" مصاحبه‌ای به عمل آورده است که فقط با توجه به همین یک مورد می‌توان به علت این‌گریز، پی برد:

"۵۰ سال دارم، مدت دو ماه است که از روستای قروه همدان به تهران آمده‌ام. چون سنی از من گذشته دیگر کسی مرا به سرکار نمی‌برد. زن و پنج فرزندم در روستا زندگی می‌کنند. تساً حالا هزار تومان از دوستانم قرض گرفته‌ام و پیش آنها زندگی می‌کنم. وی در مورد زن و فرزندانش چنین می‌گوید: "آنها پولی برای خرج کردن ندارند و حتی همین سهمیه کوبن خود را هم دریافت نمی‌کنند. ۵۰۰۰ از در و همسایه قرض می‌گیرند. باور کنید اگر روزی ۵۰ تومان درآمد داشته باشم، در همان ده می‌مانم و اموم می‌گذرد. ولی الان شرم دارم و خجالت می‌کشم که دست‌خالی به روستا برگردم."

این سخنان بسیار درد آور و پرمعنی است. در این جماعات ساده بخشی از مشکلات روستاها بیان شده است.

بقیه در صفحه ۱۱

در حاشیه

"باران رحمت" یا سطور قصایی؟

"صبح دیروز در ندانگاه مرکزی قصر چهارنگشت دست‌اراست سارقی که شرایط شرعی قطع دست شامل وی می‌شد، در حضور نمایندگان قضایی، متهمان و محکومان زندان قصر قطع شد" (اطلاعات ۳ خرداد)

میرعمادی دادستان عمو می‌تهران علت آغاز اجرای این احکام ضد انسانی را پاسخ حکومت به "الفاظ رایج بین مردم" و از جمله "عدالت اجتماعی" دانست:

"یکی از الفاظ رایج بین مردم کلمه عدالت اجتماعی است که البته همه انسانها خواهان عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و مستقر شدن آن در جامعه هستند." (همانجا) وی ادامه داد:

"امید داریم که با پیاده کردن احکام اسلامی بتوانیم عدالت اجتماعی را در جامعه مستقر کنیم تا ملت زندگی خوش و مرفه‌ی داشته باشند (!!) وی در قسمت دیگری از مصاحبه خود گفت:

"حدی ۵۰۰ که اجرایی شود از چهل روز باران رحمت بهتر است."

شروع اجرای احکام قطع اعضای بدن مجرمین جلوهای کره از سلطه قاریک اندیشی و سبعیت

بی رحم طبقاتی قرار گرفته اند، و به شلاق کشیدن مردم عادی را بعنوان "راه حل" و راه برون رفت از منجلا بی معرفتی کنند که مسئول مستقیم ایجاد آن، خود حکومت است.

"قانون قصاص" که سه سال پیش علیرغم اعتراض نیروهای انقلابی و ابراز انزجار مردم به تصویب "مجلس شورای اسلامی" رسید، تحت فشار افکار عمومی مدتی بطور کامل و در سراسر ایران اجرا نشد. با شروع اجرای قطع اعضای بدن این قانون (بعنوان "حد شرعی") رهبران جمهوری اسلامی نشان دادند که مصممند اگر همه ایران هم نخواهد "تفکرات پوسیده و نسخه های قرون وسطایی خود را به جامعه تحمیل کرده و تاریک اندیشی و سبعیت را بازم گسترش دهند. در زیر این لباس، ارکان و مبنای نظام فرتوت کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی با حمایت سران جمهوری اسلامی و "شورای نگهبان" منتصب آنها بسرعت رو به تحکیم و تثبیت است. جامعه ای که با سران رژیم می خواهند در میهن ما بسازند، در تحلیل نهایی همان جامعه ای است کهنه آل سعود در عربستان و ضیاء الحق در پاکستان درست کرده است.

با قطع دست و پا، شلاق زدن، سنگسار کردن و ... نه تنها بیماری های اجتماعی حل نشده، بلکه تشدید نیز می گردد. ایستادن مجازاتهای انتقامجویانه عمیقاً با روح زمان ما در تضادند. مجریان این احکام، خود جانیانی هستند که جرمشان صد ها بار از جرم مته مینی که مورد قصابی آنها قرار می گیرند، سنگین تر است.

پاسخ مسئول شعبه کارگری

بقیه از صفحه ۷

سیاسی است. ما با توجه و تاکید بر این تجارب گرانقدر تاکتیک ها و شعارهایمان را اتخاذ و در جهت اجرای آن برنامه ریزی می کنیم. مهمترین و شورانگیزترین شعره این تجارب این است که طبقه کارگر ایران علیرغم همه اغتشاش فرینی ها و توطئه های جمهوری اسلامی بطور فزاینده ای هویت خود را بعنوان طبقه ای مستقل احراز می کند. و همین خود منشا اصلی امید به پیروزی آرمانهای ما است، همچنانکه رفیق فرخ نگهدار در بیرون و در کمته مرکزی سازمان تاکید کرده است: "زمان زیادی نخواهد کشید که کارگران با عمل خود به حکومت بفهمانند که در ارزیابی قدرت کارگران مطلقاً خطا کرده است."

سرانجام با سؤال لاجوردی "دادستان انقلاب" ته سران از "شورای عالی قضائی" و پاسخ مثبت این شورا، اجرای قانون مافوق ارتجاعی "قصاص و حدود" در تهران آغاز گردید. و صبح روز دوم خرداد ماه، در ندامتگاه مرکزی قصر چهار انگشت دست سارقی که شرایط شرعی قطع دست شامل وی میشد، در حضور نمایندگان قضائی، متهمان و محکومان زندان قصر قطع شد. (کیهان، ۳ خرداد ۶۳)

اتهامات محکوم نگوین بخت، عبارتند از سرقت و "یک فقره رانندگی بدون گواهینامه" (همانجا)

رژیم جمهوری اسلامی که از حل بحران ها و معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه عاجز مانده است، با شروع اجرای مجازات های انتقامجویانه و قرون وسطایی برای جرائم عادی، که اکثراً ناشی از سلطه فقر و محرومیت و جهل است، می کوشد ناتوانی و درماندگی خود را بیوشاند. سران حکومت که با سیاست های خائنه و ارتجاعی خود، با ادامه جنگ افروزی توسعه طلبانه، با تحکیم غارتگری کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، با تشدید وابستگی ایران به امپریالیسم جهانی و با حاکم کردن استبداد و سرکوبگری، جامعه را در بحرانی عمیق فرو برده اند، می خواهند اعمال ننگینی از قبیل قطع دست و پای مجرمینی که ارتکاب به جرم آنها گناه نظامی است که در آن زندگی می کنند، سنگسار کردن زنان مفلوکی که مورد قهر جامعه

کودکان ایرانی

بقیه از صفحه ۳

در مدارس جای راحتی برای نشستن وجود ندارد. کلاسهای پر تراکم هشتاد نفره و سه نیمه و چند نیمه در مدارس ویران شده و مخروبه، نداشتن زمین بازی و ورزش و از همه بالاتر کیفیت نازل تدریس و خالی شدن محیطهای آموزشی از معلمان و مربیان دلسوز و با تجربه، ارمغان جمهوری اسلامی برای آندست از کودکانی است که با مشکلات فراوان بالاخره به مدارس راه پیدا میکنند. روشهای تربیتی ای که جمهوری اسلامی در مدارس کشور اعمال میکند، مغز پویا و ذهن جویای کودکان را مسخ کرده و فکر آنها را محدود به لاطالعات قرون وسطایی مینماید. کودکان ما در مدارس سه شیوه مکتب خانه های قرون گذشته تربیت شده و در این جامعه جنگزده و غارت شده شیوه های گوناگون عزاداری را فرا میگیرند. آنها را تشویق به سخن چینی و حتی جاسوسی بر علیه خانواده و دوستان میکنند. با تحریک ذهن ساده کودکان کم سن آنها را مجبور میکنند که از اولیاء خود "موافقت نامه" بگیرند و از طریق بیخ بدون کوچکترین تجسس به اطلاعات ترحمی و نظامی راهی جبهه های مرگ شوند.

دولت مردان جمهوری اسلامی هر روز موانع

تازه ای بر سر راه تحصیل کودکان اقتدار و طبقات محروم میگذارد. از باز شدن مجدد مدارس خصوصی گرفته تا انحلال کلاسهای کمتر از ۳۰ نفر، و کلاسهای دخترانه (به بهانه نداشتن معلم زن) در روستاها همه موانعی هستند که فرزندان زحمتکشان را از تحصیل بی نصیب میکنند.

کودکان ایرانی در کام عفريت جنگ

جنگ خانان سوز هر روز قربانیان تازه ای از کودکان میگیرد. خانه و کاشانه را بر سر مردم و کودکان بیگناه ویران میسازد و بیایان پدران و مادران آنها را از آنان میگیرد و کودکان را راهی یتیم خانه ها میکنند. در مناطق جنگی، کودکانی که از جنگ جان سالم بدر میبرند راهی اردوگاههای جنگزدگان میگردند و با فقدان بهداشت و سوء تغذیه در این اردوگاهها به انواع و اقسام بیماریها مبتلا میشوند. این همه شرایطی است که جمهوری اسلامی برای میلیونها کودک میهن مساکم فراهم کرده است. نسلی که سازنده فردای میهن است، قبل از آنکه در آغوش گرمی پناه بگیرد، با فقر و بیسردی، آوارگی و بی خانمانی دست به گریبان میشود.

کودکان میهن ما برای ساختن فردایی روشن، پر امید و نیک فرجام، باید سالم پر نشاط و از نظر فکری پرورده باشند. آنها بایستی از همه امکانات لازم برای رشد سالم جسمی و فکری، برخوردار گردند. استعداد های آنان باید شکرفا شود و عطش آنان ذهن جویای آنها باید از زلالترین سرچشمه های خرد، دانش و ذوق بشری برطرف گردد. آنها باید بی هراس از غریبتهای فقر، بی عدالتی، جهل و جنگ بشار آیند و با شور و امید، فردای میهن را پی ریزند.

رویاها و آرزوهای آنها با رژیم نسل کشی در راستای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی گره سرده است. آتش رزممان را برافروخته سازیم تا این رویاها به واقعیت بدل گردند.

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

رویدادهای جهان



اجلاس ناتو

روز سه شنبه ۲۹ ماه مه در واشنگتن اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو ناتو برگزار شد. در این اجلاس آمریکا به هلند فشار آورد تا با استقرار ۴۸ موشک "کروز" در این کشور موافقت کند. آمریکا از این هراس دارد که در صورت مخالفت هلند، بلژیک نیز در تصمیم خود دایر بر موافقت با استقرار موشکها تجدید نظر کند و جنبش ضد استقرار موشکها در آلمان فدرال، بریتانیا و ایتالیا تقویت شود.

علاوه بر هلند، اسپانیا نیز تحت فشار شدید آمریکا قرار دارد. قبل از شروع کار اجلاس ناتو جرج شولتز و زیر خارجه آمریکا گو شید از "فرناندو موران" وزیر خارجه اسپانیا قول قطععی بگیرد که اسپانیا در ناتو خواهد ماند. دولت اسپانیا تحت فشار افکار عمومی این کشور تاکنون از ادغام نیروهای مسلح خود در نیروهای ناتو خودداری کرده است.

هدف دیگر دولت ریگان که در اجلاس ناتو دنبال نمود، کشاندن کشورهای اروپای غربی به ماجراجویی نظامی آمریکا در خلیج فارس است. آمریکا از انگلیس و فرانسه خواسته است در حمله احتمالی به خلیج فارس شرکت کنند.

تمرین "مهمان نوازی" آمریکایی برای المپیک

لس آنجلس، شهری که قرار است میزبان بازیهای المپیک باشد، چندی پیش صحنه تمرین "مهمان نوازی" آمریکایی بود. در این بازیها قرار بود که پرنسنت سینگ، رئیس جمهوری هند، بدنیال بازید از مکزیک، آرتانتین و پرو قصد داشت به مدت یک شب در لس آنجلس توقف

نا ازعاب و موعظه

بقیه از صفحه ۹
و اما باید دید مهندس حبیبی شهسردار تهران بعنوان یک مسئول مملکتی وقتی خبرنگار سخنان این مهاجر را برای او نقل می کند، چه نظری ارائه می دهد: "اگر چه بی پول بودن در یک روستا کار مشکلی است، ولیکن باید پرسید مردم چرا به جبهه می روند؟ برای اینکه عمق خطر را درک کرده اند و در راه انقلاب و حفظ استقلال ایثارگری می کنند. حالا هم اگر مردم عمق خطر را درک کنند و در روستا بمانند و با تحمل مشکلات از هوای آزاد و پاک استفاده کنند و به شهرهای بزرگ نظیر تهران کوچ نکنند، باز هم خوب است." (همانجا)

البته شهسردار تهران نیز به شعری آش بین برده و سرانجام پس از این اظهار نظر شرم آور، اشاره به این ضرورت می نماید که باید در آمد

کند، اما ظاهرا زمان نامناسبی را برای اینکار در نظر گرفته بود. چرا که این روزها در لس آنجلس بازار شکار "جاسوس ها و تروریست ها" گرم است و پلیس شبانه روز خود در برابر مقابله با "نفوذ عوامل خارجی" آماده می کنند. مامورین آمریکایی، هیاتت هندی را برای چنین تعریفی برگزیدند. آمریکایی هارتیسر، جمهوری هند و همراهانش را به شهرراه نداده و برخلاف سنن دیپلماتیک، دست به بازرسی توهین آمیز هیات رسمی هندی زدند. به گزارش خبرگزاری هند، رفتار مامورین گمرک آمریکا نقض همه معیارها اخلاقی بود.

"تمرین" آمریکایی ها برای المپیک در مقابل هتل محل اقامت رئیس جمهوری هند ادامه یافت. او با شهنودی مقیم آمریکا در آنجا جمع شده و به ناسزاگویی علیه هند پرداختند.

رشد صنعتی شورای همیاری اقتصادی

بنا به گزارش مجله "همکاری اقتصادی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی (کومکن)" درآمد ملی کشورهای عضو این شورا از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۳، ۸/۶ برابر شده است. در حالیکه این رقم در کشورهای رشد یافته صنعتی، سرمایه داری معادل ۳/۴ بوده است. میزان تولید صنعتی کشورهای غرب ظرف همین مدت ۳/۸ برابر شده است. در حالیکه در کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی میزان رشد تولیدات صنعتی ۱۴ برابر بوده است.

اتیوپی و بولیوی نیز در مسابقات المپیک شرکت نمیکنند

دولت بولیوی تصمیم گرفت از اعزام تیم ورزشی خود برای شرکت در بازیهای المپیک لس آنجلس خودداری ورزد. از جانب دیگر کمیته ملی المپیک اتیوپی نیز اعلام کرد که به علت وجود جو خصمانه ای که امنیت ورزشکاران اتیوپیایی را به خطر می اندازد، هیچ ورزشکاری را به لس آنجلس اعزام نخواهد کرد.

روستائیان بالارود، ولیکی و چگونه؟ کسی نمی داند! معضل مهاجرت از روستا به شهر به هیچ وجه از مسئله کشاورزی و اصلاحات ارضی مترقی و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه از جمله در روستاها، قابل تفکیک نیست. در شرایطی که بسیاری از روستائیان همچنان "رعیت" باقی مانده باشند و در حالی که مجلس قوانین ضد دهقانی تصویب کند، اصلاحات ارضی مترقی و اقدامات عمرانی انجام نشود، از کشاورز حمایتی بعمل نیاید، محصول وی خریداری نشود و وی ناچار گردد لوازم مورد نیاز و حتی علوفه دام خود را هم از بازار سیاه بخرد، آیا حاصل آن جز هجوم روستائیان به شهرها خواهد بود؟ دهقان بی زمین و نان با موعظه و تهدید و ازعاب در روستا پایبند نمی شود و حکومت نیز در این میان نه تنها طرفی از اینگونه اقدامات نمی بندد، بلکه یک نیروی عظیم دیگر را نیز علیه خود بر می انگیزد.

سرکوب باندهای ضد انقلابی در افغانستان

رادیو نابل اعلام کرد که نیروهای مرمی افغانستان باند بزرگی از مزدوران راکه ساکنان ایالت جوزجان را مرعوب و ترور می کردند تا رومار ساخته اند. در جریان این عمل، سلاحصای زیادی، من جمله موشک و نیز مقداری اسناد جعلی و تشریفات ضد انقلابی به دست آمده است. از سوی دیگر رادیو کابل گفت که یک اتوبوس حامل مسلمانان که برای اجرای مراسم دعا در مسجد عازم کابل بودند، توسط تروریستها منفجر گردیده است. مسئولیت این انفجار بعهده راهزنان و حامیان خارجی آنهاست. تنها آمریکا، هر سال برای جنگ اعلان شده علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان ۱۵۰ میلیون دلار اختصاص داده است.

تظاهرات علیه حضور ریگان در ایرلند

هفته پیش در هنگام بازدید ریگان از ایرلند، مردم دوبلین پایتخت این کشور، طی تظاهرات گسترده ای، یکصد این شعار را سردادند: "ریگان جنگ افروز خود را از ایرلند گم کن." تظاهرکنندگان در مقابل کاخی که در آن بنه افتخار ریگان، مجلس ضیافتی ترتیب داده شده بود، به راهپیمایی پرداختند و مخالفت خود را با استقرار موشکهای هسته ای ضربه اول آمریکا، ابراز نمودند. در سایر شهرهای این کشور نیز، همین موج مخالفت توده های با سفر ریگان و سیاستهای جنگ افروخته آمریکا، سرانگیزه شد.



باران که نمیبارد!

پس این چترها برای چیست؟!

جواب این سؤال را در متن زیر کس در صفحه اول پرتیراژترین روزنامه های آلمان چاپ شده است، پیدا خواهید کرد. "در یک اجتماع برای انتخابات (پارلمان) اروپا مامورین امنیتی، صدر اعظم آلمان (هلموت کول) را با چتر و حفاظ شیشهای در مقابل پرتاب تخم مرغ، گوجه فرنگی و کیسه های رنگ از سوی تظاهرکنندگان، حفاظت میکنند. یک ساعت بعد در شهر "امتن" بار دیگر گوجه فرنگی و سیب اینبار بوسیله دهقانان تظاهرکننده به طرف صدر اعظم پرتاب شد."



“شورای نگهبان، رای ما چه شد؟”

پس از ابطال انتخابات شهر اصفهان ، مردم شرکت کننده در انتخابات که می بینند رای آنها از سوی شورای نگهبان باطل شده است ، به خشم می آیند و در روز ۲۱ اردیبهشت به دادن شعار علیه شورای نگهبان می پردازند . شعارهای “شورای نگهبان ، رای ما چه شد ؟ امام ، وعده و وعید پس چه شد ؟” از جمله شعارهای شرکت کنندگان در نماز جمعه اصفهان بوده است . در همین روز ، شعار “مرگ بر شورای نگهبان” نیز سر داده میشود . امام جمعه اصفهان مردم را آرام میکند و از آنها میخواهد که به شورای نگهبان توهین نکنند .

روز شنبه ۲۲ اردیبهشت مردم دسته دسته راهی “گلستان شهدا”ی اصفهان می شوند و در آنجا به تظاهرات می پردازند . سپس به شهر مراجعت کرده و در اطراف خانه امام جمعه شهر که آنروز در تهران بود ، متحصن میگردند . در این رابطه ، امام جمعه اصفهان ، طی مصاحبه خود با روزنامه کیهان گفته است :

“حجت الاسلام انصاری از بیت امام تلفن کردند و گفتند که امام فرمودند که شما بیگ اطلاعیه ای بدید که مردم اصفهان متفرق بشوند و اگر با اطلاعیه هم کار انجام نگیرد شما خودتان به اصفهان بروید . . . من اطلاعیه دادم . در موقعیکه جمعیت خیلی به درب منزل من رسیده بودند از رادیو اطلاعیه را شنیدند . . . ”

(کیهان ۶ خرداد)

درگیری مردم و پاسداران در شهر چالوس

در شهر چالوس سپاه پاسداران به عده ای از جوانان که مشغول بازی فوتبال بوده اند ، دستور میدهد که پراکنده شوند و از ادامه بازی آنها جلوگیری میکند . فوتبالیستهای جوان اعتراض کرده و علت آنرا می پرسند ، پاسدارا میگویند شما قمار بازی میکنید ! و به آنها حمله میروشند . در این تهاجم پاسداران ، یکی از فوتبالیست های محبوب مردم شهر چالوس به قتل میرسد . مردم چالوس و شهرهای اطراف در مراسم تشییع جنازه این فوتبالیست شرکت میکنند . در این تشییع جنازه شعارهای تند ی علیه سپاه پاسداران و رهبران جمهوری اسلامی داده میشود . مجددا پاسداران و مامورین دیگر نهاد های سرکوبگر

رژیم به مردم حمله کرده و درگیری بوجود می آورند . پس از این تهاجمات ضد مردمی در شهر چالوس شرایطی شبیه حکومت نظامی حکمفرما میشود .

“خودزنی” در جبهه ها

گروهی از جوانان که تهدید وارعباناز سوی حکومت به جبهه ها گسیل شده اند بسا بکار بستن شیوه های متفاوت و حتی به بهمنسای ناقص العضو شدن خود دست به اقداماتی می زنند تا از خطر مرگ زنجاری بپایند . از جمله کارهایی که اخیرا رواج یافته است ، “خودزنی” یعنی تیراندازی به پا ، دست و یا سایر نقاط غیر حیاتی بدن و همچنین تفرض به بیماریهی رواتسی می باشد .

همبستگی کارگری در کارخانه ها

کارفرمایان برای مقابله با درخواست افزایش دستمزد و دیگر مطالبات کارگران و برای ایجاد تفرقه در میان آنها ، شیوه های متفاوتی را بکار میگیرند . به عنوان مثال در کارخانه “بلموند” و “ایران تایر” در مقابل درخواست پاداش از سوی همه کارگران ، فقط با پرداخت آن بسرای تعدادی از کارگران موافقت میشود . کارگسران نسبت به این شیوه توزیع پاداش و عدم پرداخت مبالغ لازم به همه آنها اعتراض میکنند . مدیریت این دو کارخانه و دادستانی برخورد شدیدی با اعتراضات کارگران میکنند .

کارگران پاداش گیرنده ، مبالغ دریافتی خود را بین همه کارگران تقسیم میکنند . این ابسراز همبستگی و حرکت وحدت طلبانه کارگران موجب ناخرسندی مقامات مسئول میگردد .

مردم مسجد سلیمان

علیه جنگ طلبان اقدام میکنند

مردم مسجد سلیمان مانند سایر شهرهای جنوبی و غربی ایران که جنگ خانمان برانداز، خانه و کاشانه آنها را ویران کرده است ، نفرت زیادی از جنگ طلبی های حکومت دارند و اغلب در تظاهرات ساختگی حکومت شرکت نمیکنند و کسانی را که در این تظاهرات شرکت کرده و شعار “جنگ جنگ تا پیروزی می دهند” شناسائی کرده و مورد حمله قرار میدهند .

بازگرداندن “اموال شرعی” سرمایه داران فراری ادامه دارد

دعوت جمهوری اسلامی از سرمایه داران فراری به بازگشت و پس دادن “اموال شرعی” آنها همچنان ادامه دارد . از جمله استرداد شرکتهای “پازیکو” و “پیازه” به صاحبان قبلی آنها؛ مرهل نهائی خود را طی می کند . خسروشاهی سرمایه دار معروف که هنوز در خارج از کشور می باشد ، اقدامات فراوانی برای تحویل گرفتن

کارخانه های صادر شده خود انجام داده است . ضمنا بازگرداندن شرکت های “کیوان” و “گروه صنعتی البرز” به صاحبان سابق آنها تدارک دیده شده است .

کاهش بودجه دانشگاه ها و اخراج دانشجویان

حکومت برای تامین هزینه جنگ بودجه های بهداشتی ، فرهنگی ، آموزشی و . . . را کاهش میدهد . همه اینها علاوه بر یک سوم بودجه عمران است که در برنامه ریزی سالانه افزون بر بودجه اختصاصی مربوطه به جنگ اختصاص یافته است . اخیرا نیز بودجه دانشگاه تهران از ۳ میلیارد تومان به ۲ میلیارد تومان و در مورد برخی از دانشگاه های دیگر به ۴۰ درصد بودجه پیش بینی شده کاهش یافته است . در همین حال اخراج دانشجویان مترقی از دانشگاهها و مدارس عالی همچنان ادامه دارد . به عنوان نمونه ، در همین اواخر ۴۰ نفر از دانشجویان دانشکده بازرگانی اخراج شده اند . این دانشکده ، ضمن انتشار لیست اسامی این افراد ، تاکید کرده است که دانشجویان قید شده در این لیست ، فقط با کسب “کارت پشیمانی” از نهاد های سرکوبگر حکومت به دانشکده راه خواهند یافت .

کتاب های مالی رسیده

رفقای فدایی در مونستر (آلمان فدرال) ۶۰ مارک رفیق الفاز برلن عربی ۵۰ مارک

هزینه چاپ این شماره “اکثريت” را رفقای فدائی و توده ای

در پادر بون (آلمان فدرال) تامین کردند

AKSARIYAT NO. 10 FRIDAY, 8 JUNE 84

Address	آدرس
POSTFACH 23007 6500 MAINZ 23 W. GERMANY	آلمان فدرال
P.O. BOX 101 LONDON N17 6YU ENGLAND	انگلسان
P.O. BOX 88156 LOS ANGELES, CA 90086 USA	ایالات متحده
C.P. 3125 00122 OSTIA LIDO (ROMA) ITALY	ایتالیا
P.O. BOX NO 3018 NEW DELHI - 110003 INDIA	هندوستان

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا